

مکشی بر گزارش نیشدار BBC در مورد ملالی جویا

بی بی سی، دستگاه تبلیغاتی و سخن پراکنی کشور انگلیس، در تاریخ ۲۶/۱۱/۲۰۰۹ گزارشی کوتاه ولی نیشدار و تخریش کننده بی، زیر عنوان "ملالی جویا، زنی در میان جنگ سالاران" در سایت فارسی خود به نشر رسانده است. نگارنده گزارش، مثل آدم سیری که لقمه آخرین را از سربی میلی بدهن میگذارد، با بی میلی نوشته میکند:

"ملالی جویا، از چهره های بحث برانگیز در افغانستان که با انتقاد از فرماندهان سابق این کشور در لویه جرگه قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ به شهرت جهانی رسید، به تازگی در مورد زندگی خود در افغانستان کتاب [ی] نوشته است. "و هدف جویا را از نوشتن کتابش چنین بیان میکند:

"هدف از نوشتن این کتاب زیر عنوان "زنی در میان جنگسالاران"، نشان دادن سیمای سیاسی و نظامی افغانستان به کشورهای غربی است."

نگارنده از قول خانم جویا می گوید: "در این کتاب با حضور نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان به شدت مخالفت کرده و افغانستان را یک کشور اشغال شده دانسته است." و در ادامه از قول جویا می افزاید: "ما تاریخ پر افتخاری داریم که هرگز اشغال را قبول نمی کند. باور داریم که مردم رنج کشیده ام در آینده نیز بر ضد اشغال می ایستند و درس خوبی به اشغالگرانی چون آمریکا و ناتو خواهند داد؛ چنانچه در گذشته به انگلیس و روسها داده بودند."

خانم جویا پس از کسب عضویت در مجلس نمایندگان افغانستان نیز در اولین انتخابات پارلمانی این کشور در سال ۲۰۰۵، به انتقاد از جنگسالاران در این کشور ادامه داد و اظهارات تند او، باعث تعلیق عضویت اش در این مجلس شد. خانم جویا تا حالا چندین جایزه بین المللی را در زمینه دفاع از حقوق بشر از آن خود کرده است.

نگارنده بی بی سی در اخیر نوشته اش، ملالی جویا را با چنین کلماتی نیش میزند و مبارزات برحق او را کم اهمیت جلوه میدهد و دشمنان این زن شجاع افغان را خوشحال میسازد: "با این حال، منتقدان (حامیان جنگسالاران- سیستانی) باور دارند که ملالی جویا، تنها بلد است انتقاد کند و زمانی که بحث روی برون رفت از مشکلات افغانستان و ارایه برنامه بهتری برای آینده این کشور مطرح می شود، حرفی برای گفتن ندارد."

بر پراگراف اخیر این گزارش اندکی مکث میکنم: ۱- "ملالی جویا تنها انتقاد بلد است"

انتقاد چیست؟ انتقاد روح و روان دموکراسی است. اگر انتقاد را از دموکراسی حذف کنیم، دموکراسی فرقی با دکتاتوری نخواهد داشت. معنای دیگر **انتقاد**، آزادی بیان است. در آزادی بیان، اگر **انتقاد** وجود نداشته باشد، اصلاً چیزی برای خواندن وجود نخواهد داشت. **فیگارو**، روزنامه معروف فرانسه می گوید، یکصد سال است که این جمله معروف بومارشه را بصورت شعار در سرلوحه خود بچاپ میرساند: "**اگر آزادی انتقاد نباشد، ستایش ارزنده ای نیز نمیتواند وجود داشت**" (دکتر شفا، تولدی دیگر، ص ۳۶)

بدون **آزادی انتقاد**، آزادی مطبوعات معنی و مفهوم خود را از دست میدهد. پس **انتقاد**، رکن اساسی آزادی مطبوعات است و آزادی مطبوعات زبان گویای دموکراسی است. بدین حساب **انتقاد** یگانه وسیله موثر برای اصلاح کارها و پیشرفت است. با **انتقاد** است که میتوان جلو کج رویها و جلو بدرفتاریها و بی عدالتیها را گرفت. با **انتقاد** است که میتوان جلو فساد اداری و رشوه گیریها و اختلاس را گرفت. با **انتقاد** است که میتوان متجاوزین بر حقوق مردم و زنان و کودکان را افشاکرد و جنایتکاران خلاف کاران را بچنگ قانون سپرد. تنها امتیازی که نظام های دموکراسی غرب، از نظام های دکتاتوری و استبدادی شرق دارد، اینست که در نظامهای دموکراتیک غرب میتوان بر هر مقام دولتی، اگر چه کج گذارد، انگشت **انتقاد** گذاشت و عملکرد دولتمداران را زیر سوال برد و نقص کارها و یا اشتباهات و حتی خیانت دولتمردان را بر رخ شان کشید و اذهان عامه را علیه شان بسیج نمود، بدون آنکه کسی مانع کار منتقد بشود و یا او را از کار بر طرف نماید و یا بزندان بفرستد. مگر در نظام های استبدادی شرقی، زبان انتقاد مردم بسته است و اگر کسی دست به افشاء خیانت کسی بزند، و بگوید فلان وزیر، یا فلان رهبر تنظیم یا فلان والی، چرا ملکیت های شخصی و یا زمین های دولتی را غصب میکند؟ چرا فلان جنگسالار زندان شخصی باز کرده و مردم را در آن انداخته و شکنجه میکند تا زبان شکایت علیه وی باز نکنند، بجای اینکه وزیر یا جنگ سالار غاصب را به پنجه قانون بسپارند، منتقد را زندانی میکنند و شلاق میزنند. چنانکه نصیر فیاض گرداننده برنامه تلویزیونی حقیقت را چنین کردند.

سازمان حقوق بشر، هنگامی که عضویت ملالی جویا از طرف ولسی جرگه به تعلیق در آورده شد، در اعلامیه ۲۴/مه ۲۰۰۷ خود که در سایت فارسی **bbc** نیز انعکاس یافته، انتقادات تند ملالی جویا را جزء آزادی بیان شمرده و آنرا حق ملالی جویا دانسته است. آقای آدمس، مسئول بخش آسیایی دیده بان حقوق بشر در این اعلامیه می گوید: "**وضع ممنوعیت بر انتقاد از پارلمان، چیزیست که اصول آزادی بیان را نقض می کند؛ اصولی که در قوانین جهانی و در سراسر جهان**

مورد احترام است. " اعلامیه دیده بان حقوق بشر همچنین گفته که پارلمان افغانستان باید زمینه را برای "ابراز نظر آزادانه نمایندگان انتخابی مردم" فراهم کند تا آنان بتوانند بدون ترس از تعلیق عضویت شان در مجلس، ابراز نظر کنند. (بی بی سی ۲۴/۵/۲۰۰۷)

ملالی جویا، زبان تند انتقاد خود را برای بار نخست، از درون تالار لویه جرگه قانون اساسی در دسامبر ۲۰۰۳، متوجه جنگسالارانی نمود که افغانستان را به ویرانه تبدیل کرده بودند و اینک در آن لویه جرگه با گردن افراخته تکیه داده بودند. در آن موقع هیچ کس و هیچ مردی جرئت نداشت تا به این تبهکاران بگوید بر بالای چشم شما ابرو ست، ولی ملالی جویا، با قبول همه خطرات، روی ستج سخنرانی رفت و بطور بیسابقه بی از جنایتکاران جنگی که کابل را محور و محراق جنگ های خانمانسوز تنظیمی خود قرار داده بودند، نام برد و طرح به محاکمه سپردن جنایتکاران را بمیان کشید و گفت که: "آزموده را باز آزمودن خطاست" یعنی که با دوباره بر سر کار آوردن جنایتکاران، دموکراسی به ثمر نمی نشیند و ثبات سیاسی به کشور بر نمیگردد و زنان به حقوق حقه خود نمیرسند. در پاسخ به این انتقاد ملالی جویا، قبل از همه جنگسالاران تنظیمی بودند که عربده کشیدند و با کوبیدن مشت بر روی میزها و پریدن بر روی سینیج لویه جرگه میخواستند قدرت آدمکشی خود را نشان بدهند و ملالی جویا را نابود کنند، اما با مداخله نیرویهای ایساف، از کشتن ملالی جویا جلوگیری بعمل آمد.

از آن روز بعد میان جنگسالاران بخصوص ائتلاف شمال و ملالی جویا دره عمیق تنافر ایجاد شد و رهبران جهادی از هر فرصتی برضد ملالی جویا استفاده کردند تا صدای این زن شجاع و از خود گذر فراه را خفه کنند. حتی تا کنون پنج بار او باشان ائتلاف شمال قصد جان او را کرده اند ولی جویا بطور تصادفی از آن سوء قصدها نجات یافته است.

ملالی جویا، از آن پس تا امروز، از هر تریبونی که بدستش افتاده، پیوسته به مردم افغانستان و به مردم جهان گفته است: تازمانی که جنایتکاران جنگی از قدرت بزیر کشیده نشوند و محاکمه بین المللی نگردند، صلح و ثبات و امنیت به افغانستان بر نمیگردد. ملالی جویا بارها با صدای رسا گفته و میگوید که آمریکا، سیاست دوگانه ای را در افغانستان به پیش میبرد، از یکسو خود را مدافع دموکراسی و حقوق زنان در کشور میگوید و از سوی دیگر، سران ائتلاف شمال را که همچون طالبان زن ستیزانند، در مقامات بلند دولتی منصوب کرده و از آنها حمایت میکند.

ملالی جویا باری در یک سخنرانی خود در کانادا گفت: " آمریکا با گشاده دستی بسیار، بیش از هر زمانی از بنیادگرایان حمایت میکند. آمریکا بر اتحاد شمال، متکی است، همان نیرویی که افغانستان را در سال های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ به جهنم تبدیل کرد و هنوز هم بزرگ ترین تهدید برای ثبات و صلح در کشور من است... بر طبق گزارش دیده بان حقوق بشر، ۷۰ درصد پارلمان انباشته است از عناصری که متهم به جنایت جنگی هستند، از جمله اعضای رژیم دست نشانده روسی، قاچاقچیان مواد مخدر، طالبان ها و جانیان اتحاد شمال."

ملالی جویا میگوید: "آنها که از عدالت سخن میگویند به مرگ محکوم میشوند. در هفتم ماه مه ۲۰۰۶ جنگ سالاران و نمایندگان قاچاقچی به من حمله فیزیکی کردند، فقط برای این که حقیقت را گفته بودم، از جنایات اتحاد شمال. یکی از آن ها حتی فریاد میکرد: فاحشه، او را بگیرد و به او تجاوز کنید!

۲- بزعم گزارشگر "زمانی که بحث روی برون رفت از مشکلات افغانستان و ارایه برنامه بهتری برای آینده این کشور مطرح می شود، حرفی برای گفتن ندارد."

ملالی جویا نه تنها انتقاد را خوب بلد است، بلکه حرف های زیادی برای گفتن هم دارد، منتها کجاست گوشی که این حرفها را بشنود و بدان ترتیب اثر بدهد؟ جویا در پاسخ این سوال ژورنالیست المانی، الساراسیک، که به نظر شما دولت آمریکا چی باید بکند؟ چنین پاسخ میدهد: " بسیار ساده است. آمریکا باید حمایتش را از جنگ سالاران و جنگ افروزها متوقف بسازد و کمک کند که انسانهایی مثل سیاف، ربانی، قانونی، فهیم، خلیلی، محقق، اسماعیل و دیگران به عوض نصب شدن در مقامات کلیدی، بمثابه جنایتکاران جنگی به محاکمه کشانیده شوند. آمریکا و متحدینش باید با جدیت گروپ های مسلح غیرقانونی را که خون مردم ما را میمکند، خلع سلاح کند. مردم افغانستان از جنایتکاران ائتلاف شمال که در قدرت هستند حمایت نمیکنند و آشکارا تا جایی که میتوانند بر ضد شان مبارزه میکنند به طور مثال عکس های شانرا در محضر عام به آتش میکشند.

دولت آمریکا باید به مردم افغانستان احترام کند و از ارتکاب جنایات جنگی جلوگیری کند. به مراتب زیادتر از قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مردم غیر نظامی در افغانستان از طرف آمریکا و متحدینش به قتل رسیده اند. حتی آمریکا زیادتر از طالبان در این شش سال اخیر مردم بی گناه ملکی را به قتل رسانیده است. اما، طبعاً عساکر آمریکایی هیچ گناهی ندارند به آنها گفته شده بود شما بخاطر آوردن دموکراسی در افغانستان میجنگید. در سخنرانی های اخیر که در آمریکا داشتیم، فامیل هایی که جگر گوشه های شانرا در افغانستان از دست داده بودند به من میگفتند که حال ما درک میکنیم که پالیسی آمریکا در افغانستان استهزای دموکراسی است. مردم افغانستان به کمک مردم آزادی دوست و صلح دوست آمریکا نیاز دارند." (سایت کمیته دفاع از ملالی جویا)

حرف ها و سخنان ملالی جویا به عنوان یک عنصر آزادیخواه ملی، برای آمریکا و کشور های هم پیمان او بسیار صاف و روشن و خالی از ابهام است. او با صراحت به غرب میگوید که، تا عناصر بنیادگرا، جنایتکار و مجرمین جنگی چه طالب

وجه تنظیمهای جهادی در افغانستان برسر قدرت باشند، نه مردم افغانستان روی خوشبختی را خواهند دید و نه امریکا و ناتو موفق به آوردن ثبات و امنیت در افغانستان میگردند.

ملالی جویا، اشتباه امریکا را در بقدرت رساندن دوباره جنگ سالاران ائتلاف شمال برگردانده مردم افغانستان شش سال قبل در لویه جرگه قانون اساسی خاطرنشان کرد که به مذاق سیاستمداران امریکا و افغانستان خوش نخورد و اما امروز همان امریکا بشمول انگلیس و فرانسه و آلمان، و اتحادیه اروپا، بحران بی امنیتی و بحران کشت و قاجاق مواد مخدر و بحران فساد اداری را زاده موجودیت جنگسالاران در دولت کرزی از مرکز تا ولایات تشخیص داده اند و پس از انتخاب مجدد کرزی به حیث رئیس جمهور، پیوسته براو فشار وارد میکنند که نباید جنگسالاران و متهمین به نقض حقوق بشر و مواد مخدر در کابینه جدید حضور داشته باشند و اگر باز هم جنگسالاران تنظیمی و بانديست های قاجاق مواد مخدر دوباره در حکومت کرزی روی کار بیایند، آنها کمک های خود به بازسازی افغانستان را متوقف خواهند نمود.

بنابراین انتقاد، از جنگ سالاران و رهبران جهادی افغانستان اگر امروز بجاست، دیروز هم همین ها بودند که ملالی جویا از آنها انتقاد میکرد و خواستار محاکمه آنها شده بود و اکنون هم خواستار تحقق چنین عدالتی است، پس نباید گفت که ملالی جویا تنها بداست انتقاد کند، ولی بلد نیست را نجات مردم را از بحران نشان بدهد.

ملال جویا، یک آزادیخواه حقیقت گو و منتقد رک و راستگو است، نه یک برنامه ریز نظامی و امنیتی! تا راه نجات افغانستان را از بحران موجوده نشان بدهد، اما راه نجات مردم را از جنگ جنایتکاران همواره نشان داده است. او به عنوان یک عنصر آزادی خواه و استقلال طلب حق دارد بر آنانی که کشورش را مورد اشغال قرار داده و هر روز و هر شب خانه و دهات مردم مظلوم را بمباران میکند، و جان صدها زن و مرد و کودک را از آنها میگیرد، صدای اعتراض خود را بلند کند و بگوش مردم آزادی خواه جهان برساند.

ملالی جویا، حق دارد بر ضد جنگ و اشغال که به بدبختی زنان و مادران و ویرانی خانه و کاشانه مادران می انجامد فریاد بزند و جنگ و اشغالگران را محکوم کند و مردم را به اتحاد و مبارزه بر ضد جنگ فرابخواند. ملالی جویا حق دارد بر ضد نوکران و جیره خوران داخلی این اشغالگران نیز صدای انتقاد خود را بلند نماید و چهره های سیاه و دستان خون آلود جنایتکاران جنگی را افشا نماید و بگوید که تا اینها به محاکمات بین المللی و ملی سپرده نشوند، هرگز عدالت و امنیت در این کشور تامین نمیگردد و باید امریکا دست از حمایت جنگ سالاران و قاجاقچیان مواد مخدر و رشتخواران و اختلاس گران کمک های بین المللی بردارد. ملالی جویا میدانند که جنایتکاران جنگی در زیر چتر حمایت امریکا از مرکز تا ولایت کشور به ظلم و ستم و تجاوز بر مال و ناموس مردم ادامه میدهند و در هشت سال گذشته دمار از روزگار مردم مظلوم و بیچار افغانستان بر آورده اند و مسببان اصلی فقر، بیکاری، در بدی و هر دم شهیدی و مهاجرت افغانها به کشورهای دیگر همینها اند که نمیگذارند تا کمک های جامعه جهانی در راه بازسازی و ایجاد اشتغال برای مردم بیکار بیکار گرفته شود، از اینست که فساد اداری در این کشور به اوج خود رسیده و فریاد جامعه جهانی را به آسمان بلند کرده است.

ملالی جویا و هر آدم با احساس دیگر افغانستان باید این انتقاد را فریاد بکشد و بر ضد این همه ناروایی ها و دست درازیها به مال و ناموس زنان و کودکان و حیف و میل نمودن دارائی های ملی کشور اعتراض کند. آیا انتقاد ملالی جویا از بمباران های کور نیروهای امریکائی و ناتو در مدت ۸ سال گذشته در محلات مختلف جنوب و جنوب شرق افغانستان منجمله: در عزیز آباد هرات، ویا روستای گرانی در بالابلوک فراه و یا بر عروسی بی در دهله قندهار و یا بریک عروسی در روزگان، یا بریک عروسی در هسکه مینه ننگرهار و یا بریک عروسی در نورستان و ده ها محل دیگر این کشور که به مرگ و میرده ها تن کودک و زن و دختر جوان انجامیده، کار نابخشودنی است؟ نه خیر بلکه بسیار بجا و وطنپرستانه هم است.

بحران افغانستان نتیجه بازی بزرگ جدیدی است که امریکا با هم پیمان بزرگ اروپائی و کانادائیش، در رقابت با کشورهای منطقه چون پاکستان، ایران، روسیه، هند، چین، عربستان سعودی، ترکیه، ازبکستان و تاجیکستان و حتی قیرغیزستان در آن نقش بازی میکنند. اگر بگوئیم که موفقیت ژئوپولیتیک افغانستان به مثابه کوتاه ترین راه رسیدن به چاه های نفت آسیای میانه و بلندترین و مطمئن ترین سکوی کنترل بر چین و خلیج فارس و بلوچستان برای امریکادر صدر اهداف قرارداده و دارد، حرف گزافه بی نگفته ایم. با تغییر رهبری در امریکا، به نظر میرسد که تردود دولتی در ادامه دادن به این بازی بزرگ بوجود آمده است. از این است که آنهايي که خود را عقل کل تصور میکنند (انگلیس و امریکا)، نه برای نجات افغانستان از بحران، بلکه برای نجات خود از بحران افغانستان، امروز در مانده اند و هر یک از کشورهای مزبور هر هفته با دانشمندان و متخصصان عرصه های نظامی و اقتصادی و سیاسی، به رایزنی می پردازند ولی جرئت نمیکنند طرخی برای برون رفت خود از بحرانی که خود ایجاد کرده اند پیدا کنند و جلو کشتار فرزندان خود و مردم افغان را از دست مشتکی بنیادگرای ساخته و پرداخته خود در پاکستان بگیرند، بلکه میخواهند افغانستان را دوباره به طالبان و القاعده واگذارند و شرمسارتر از شوروی به کشورهای خود برگردند و نام آنها برگشت ظفر نمون بگذارند.

بنابراین برای گزارشگر **bbc** بهتر بود بجای نوشتن عبارت تخریش کننده " ملالی جویا، تنها بلد است انتقاد کند و زمانی که بحث روی برون رفت از مشکلات افغانستان و ارایه برنامه بهتری برای آینده این کشور مطرح می شود، حرفی برای گفتن ندارد." به همان معرفی مختصر کتاب ملالی جویا اکتفا میکرد. زیرا با کاربرد این جملات ذره ای نمیتواند از محبوبیت و شهرت جهانی ملالی جویا نزد افغانها و هوداران او بکاهد، بلکه باز هم بر طرفداران او خواهد افزود. پایان